

ناباورانه دور گهواره‌ی نوزاد حلقه زده بودند و با تعجب و خشم به یکدیگر نگاه می‌کردند.

همه‌ها ای میان جمعیت بلند شده بود: هرکس چیزی می‌گفت.

- «می‌گوید از نوزاد بپرسید!»

- «با نوزاد چندروزه چگونه حرف بزنیم؟»

- «چه حرف بی‌معنایی!»

نوزاد نازنین، چشم‌های زیبایش را چرخاند و ناگهان لب‌های کوچکش را باز کرد: «من بنده‌ی خدا هستم!»

همین که اولین جمله را از زبان نوزاد شنیدند، سکوت سنگینی بر جمعیت حاکم شد. نفس در سینه‌ها حبس شده بود!

- «خیلی عجیب است! خودش حرف زد! چطور ممکن است؟»

نوزاد با کمال آرامش به حرف‌هایش ادامه داد: «خدای بزرگ به من کتاب آسمانی عطا می‌کند.

او مرا برای پیامبری برگزیده، و مرا مایه‌ی خیر و برکت قرار داده است. من هر جا باشم، سودمند خواهم بود.»

همه‌ها میان جمعیت بیشتر شد.

- «این دروغ است.»

- «این زن با کودکش ما را جادو کرده است.»

- «اما واقعاً نوزاد سخن می‌گوید.»

مادر با نگاهی نگران، اما امیدوار به لطف پروردگار به لب‌های کودکش می‌نگریست. سخنان دل‌نشین کودک، ادامه یافت:



«خداوند به من سفارش کرده است که تا زنده‌ام نماز بخوانم و به نیازمندان کمک کنم؛ نسبت به مادرم مهربان باشم و ستمکار و زورگو و بداخلاق نباشم». همه از تعجب و شگفتی، دهانشان باز مانده بود و مات و مبهوت به نوزاد چشم‌دوخته بودند. نوزادی که برگزیده‌ی خدا بود، ادامه داد: «خدای بزرگ، پروردگار من و پروردگار شماست؛ او را عبادت کنید که راه راست همین است».



- \* این نوزاد، «حضرت عیسی علیه‌السلام» است.
- \* لقبش «مسیح» است و کتاب آسمانی او، «انجیل».
- \* خدای مهربان او را برای هدایت قوم «بنی اسرائیل» انتخاب کرد.
- حضرت عیسی علیه‌السلام بخش زیادی از عمر پُربارش را در سفر سپری کرد و به کمک یارانش، مردم را راهنمایی و پیام‌های الهی را برایشان بیان می‌کرد.
- \* او به فرمان و یاری خدا بیماران درمان‌ناپذیر را درمان؛
- \* نابینایان مادرزاد را بینا
- \* و مردگان را زنده می‌کرد.
- او حدود پانصد و هفتاد سال پیش از تولد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بشارت بزرگی به قوم خود داد: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؛ و به شما بشارت می‌دهم که بعد از من پیامبری خواهد آمد، به نام احمد».
- چه مژده‌ی بزرگ و چه بشارت بی‌نظیری!

دشمنان حضرت عیسی از اینکه مردم به او ایمان می‌آوردند، سخت عصبانی بودند. **\* حاکم ستمگر آن زمان دستور داد حضرت عیسی علیه‌السلام را به دار بیاویزند؛ اما خداوند ایشان را به آسمان بالا بُرد تا سال‌ها بعد به همراه حضرت مهدی علیه‌السلام دوباره ظاهر شود و در کنار ایشان جهان را پر از عدل و ارامش کند.**

### گفت‌وگو کنیم

یکی از سفارش‌های خدا به حضرت عیسی علیه‌السلام را انتخاب، و با دوستانتان در مورد راه‌های عمل به آن گفت‌وگو کنید.

### بگرد و پیدا کن

کلماتی را که به حضرت عیسی علیه‌السلام مربوط است، پیدا کنید.



این کلمات با حضرت عیسی علیه‌السلام چه ارتباطی دارد؟

پاسخ

تدبّر کنیم

آیه را بخوانید؛ این آیه با کدام قسمت درس ارتباط دارد؟ **مربوط به بشارت حضرت عیسی (ع) از آمدن پیامبری به نام احمد**

إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ . . . . وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ  
يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ

عیسی فرزند مریم گفت: ... من به شما بشارت می‌دهم  
که بعد از من پیامبری خواهد آمد به نام «احمد».

سوره‌ی صف، آیه‌ی ۶

فکر می‌کنید چرا حضرت عیسی علیه‌السلام به آمدن پیامبر بعد از خود بشارت داده است؟

تا آیندگان از آمدن آخرین فرستاده‌ی خدا که احمد یا  
حضرت محمد (ص) است، آگاه باشند.

ایستگاه فکر

۱. برای مثال: زشتی‌ها و زیبایی‌ها

روزی حضرت عیسی علیه‌السلام با عده‌ای از پیروانش از بازارچه‌ای می‌گذشت؛ ناگهان گروهی را دید که به دور سگ مرده‌ای جمع شده‌اند و درباره‌ی آن گفت‌وگو می‌کنند. یکی می‌گفت: «بوی بد آن، انسان را خفه می‌کند!». دیگری می‌گفت: «چقدر کثیف است!». سومی می‌گفت: «چه سگ زشتی!».



وقتی نوبت به حضرت عیسیٰ علیه‌السلام رسید، گفت: «چه دندان‌های سفید و زیبایى دارد!».

همه از این حرف تعجب کردند. حضرت عیسیٰ علیه‌السلام ادامه داد: «سعی کنید

همیشه **از میان زشتی‌ها و زیبایى‌ها، زیبایى‌ها را نشان دهید.**



## ۲ برای مثال: بهترین... هم نشین

راه زیادی آمده‌اند؛ گوشه‌ای می‌نشینند تا چند دقیقه استراحت کنند. یکی از یاران ایشان از فرصت استفاده می‌کند و می‌پرسد: «ای پیامبر خدا! با چه کسی همنشین شویم؟»  
چه سؤال مهمی! همه‌ی همراهان چهره‌شان را به سوی رهبر محبوبشان برمی‌گردانند تا پاسخش را بشنوند.  
حضرت عیسیٰ علیه‌السلام به یاران فداکارش چشم می‌دوزد:  
«کسی که ...

۱. دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد؛

۲. گفتارش بردانش شما بیفزاید.

۳. رفتارش شما را به بهشت علاقه مند کند.

➔ به نظر شما حضرت عیسیٰ علیه‌السلام در هر داستان چه فرموده است؟  
➔ با دوستان خود گفت‌وگو کنید، و برای هر دو داستان، عنوان مناسبی انتخاب کنید؛ سپس علت انتخاب این عنوان‌ها را بگویید. ➔

## ایستگاه خلاقیت

داستان اول را به صورت نمایش خلاق در کلاس اجرا کنید.



۱- همکار گرامی برای انجام صحیح این فعالیت، حتماً به کتاب راهنمای معلم مراجعه نمایید.